



## عاملان جنایت در باغ فرحزاد محاکمه شدند

**مردان افغان که متهم هستند زن جوان را در یکی از باغ‌های فرحزاد مورد آزار قرار داده‌اند محاکمه شدند.**

به گزارش جوان، سال ۹۸ زن جوانی به اداره پلیس رفت و از چند مرد افغان به اتهام آزار شکایت کرد. او در توضیح به مأموران گفت: «من و شوهرم وضع مالی خوبی داریم، مدتی قبل تصمیم گرفتیم خانه‌مان را بفروشیم و یک خانه ویلایی در غرب تهران بخریم. برای انجام این کار در سایت‌های اینترنتی دنبال ملکی مناسب بودیم که یک خانه ویلایی را حوالی فرحزاد پیدا کردم. با صاحب آگهی که مردی بنگاه دار بود قرار گذاشتم و به ملاقاتش رفتم. آن مرد که احد نام داشت و بعدها متوجه شدم افغان است، خانه مورد نظر را نشان داد سپس پیشنهاد داد تا از خانه باغی در همان حوالی بازدید کنم. او می‌گفت خانه باغ ملکی موروثی است و وره نه آن در خارج از کشور هستند. قبول کردم و همراه او به خانه باغ رفتم.» زن جوان ادامه داد: «حوالی عصر بود که مقابل خانه باغ رسیدیم. یک لحظه تردید کردم و می‌خواستم برگردم تا با همسرم تماس بگیرم، اما مرد بنگاه دار یکبار هم مرا به داخل آن باغ هل داد. آنجا بود که فهمیدم گرفتار شش مرد افغان شده‌ام. آنها وقتی مرا دیدند به طرفم حمله کردند و بی‌رحمانه مرا آزار دادند.» بعد از طرح این شکایت، مأموران تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند و مرد بنگاهداری را مورد تحقیق قرار دادند. او احد را شناخت و سرانجام در یک قرار صوری با احد وی بازداشت شد. متهم بعد از کامل شدن تحقیقات راهی زندان شد و تلاش برای دستگیری همدستان وی ادامه داشت. اماردی از آنها به دست نیامد. به این ترتیب پرونده به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی شاکی در جایگاه ایستاد و گفت: «آن روز وقتی مردان افغان به من حمله کردند مقاومت کردم. آنها فیلمی را نشان دادند که از ترس تسلیم خواسته شیطانی‌شان شدم. در آن فیلم مردان افغان می‌خواستند دختری جوانی را آزار دهند، اما آن دختر مقاومت کرد. آنها هم دختر جوان را به خاطر رفتارش به قتل رساندند و جسدش را دفن کردند.» شاکی در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «وقتی آن فیلم را دیدم از ترس به خودم می‌لرزیدم. خیلی التماس کردم که مرا رها کنند، اما آنها ساعت‌ها مرا شکنجه کردند و حوالی ساعت ۱۱ شب رهایم کردند. سپس با تهدید خواستند در این باره با کسی حرفی نزنم وگرنه مرا هم خواهند کشت. وقتی به خانه برگشتم و همسر مرادید اصرار را کرد حقیقت را بگویم. او با شنیدن حرف‌هایم خواست به اداره پلیس برویم که قبول کردم.»
بااین ادا، پرونده برای تحقیقات بیشتر و دستگیری دیگر متهمان به دادسرا ارجاع شد تا اینکه شش متهم دیگر شناسایی و بازداشت شدند. متهمان جرمشان را انکار کردند و تنها یکی از آنها گفت: «آن روز احد شکای را بسه آن خانه باغ آورد و دوستانم او را آزار دادند، اما من فقط نظاره‌گر بودم و زن جوان را آزار ندادم.» با کامل شدن تحقیقات پرونده بار دیگر روی میز هیئت قضایی همان شعبه قرار گرفت.

با اعلام رسمیت جلسه، شاکی در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «در این مدت متوجه شدم متهمان قبلاً چند زن و دختر را به همین شیوه آزار داده‌اند. راضی به گذشت نیستم و درخواست اشد مجازات دارم.» احد سردهسته باند حرف‌های شاکی را انکار کرد، اما یکی از اعضای باند او گفت: «احد دروغ می‌گوید. آنها زن جوان را به زور آزار دادند، ولی من سعی کردم او را کمک کنم تا از دست دوستانم نجاتش دهم.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

پسرشیدای که پس از آشنایی اینستاگرامی در دو حادثه جداگانه یک دختر تنها و یک مرد جوان را به بهانه فروش عتیقه بانسکافه مسموم ویی‌هوش و اموال آنها را سرقت کرده‌بود تحت تعقیب مأموران پلیس تهران قرار گرفت.

به گزارش جوان، چند روز قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید دختر جوانی در خانه‌اش در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر بی‌هوش شده و اموالش به سرقت رفته است.

با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس به محل حادثه رفتند که دریافتند دختر جوان که پروانه نام دارد مدتی است به صورت مستقل زندگی می‌کرده‌است تا اینکه دقایقی قبل خانواده‌اش به خانه‌اش می‌آیند و پیکر نیمه‌جانش را داخل حمام پیدا و برای درمان به بیمارستان منتقل می‌کنند.

■ **یک قدم تا مرگ**

مأموران پلیس در ادامه برای تحقیق به بیمارستان رفتند که یکی از اعضای خانواده او گفت: دخترم کارمند شرکتی بود و مدتی است که به صورت مستقل زندگی می‌کند. او هر چند روز یک‌بار به خانه ما می‌آمد و مسا هم به خانه او می‌رفتیم‌وز حال هم با خیر بودیم تا اینکه ساعتی قبل یکی از دوستانش را ما تماس گرفت و گفت پروانه دو روز است به محل کارش نرفته و تلفن همراهش هم خاموش است. مسا خیلی نگران شدیم و به ختم دخترمان آمدم. اما او در درازوی ما باز نکرده که با کمک آتش‌نشانی قفل در را بترسیم و وارد خانه شدیم. همه وسایل خانه بهم ریخته‌بود که حکایت از حادثه‌ای داشت و خبری

هم از دخترمان نبود تا اینکه در جستجوی خفاش با پیکر نیمه‌جان و بی‌هوش او داخل حمام روبه‌رو شدیم. باها و دست‌های پروانه با پارچه‌ای به لوله دوش حمام بسته بود که معلوم بود فردی او را به عمد بی‌هوش و اموال خانه‌اش را سرقت کرده‌است. ما با فاصله دخترمان را که در یک‌قدمی مرگ قرار داشت به بیمارستان منتقل کردیم و الان هم در بخش مراقبت‌های ویژه با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند.

■ **آشنایی در اینستاگرام**

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت تیم پزشکی به مأموران پلیس خبر داد دختر جوان سپس از چند روز بی‌هوش از مرگ نجات یافته و به هوش آمده‌است.

بنابراین مأموران دوباره به بیمارستان رفتند و از پروانه تحقیق کردند. وی در توضیح ماجرا گفت: چند سالی است کارمند شرکتی هستم و درآمد خوبی هم دارم که مدتی قبل تصمیم گرفتم برای خودم خانه‌ای اجاره کنم و به صورت مستقل زندگی کنم. در این مدتی که تنها زندگی می‌کردم سرم به کار خودم گرم بود و با کسی هم رفت و آمد نداشتم تا اینکه یک‌ماه قبل در اینستاگرام با پسر جوانی به نام کامران آشنا شدم که خودش را مهندس معرفی کرد و مدعی بود در یک شرکت تجاری مشغول به کار مجرد‌است.

ما مدتی با هم ارتباط تلفنی و پیامکی داشتیم که او به من ابراز علاقه کرد و گفت دوست دارد با من ازدواج کند. او با حرف‌هایش مرا فریب داد و من هم به او اعتماد کردم. او به من گفت در کار خرید و

# حجوات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۷۶

# دام اینستاگرامی پسر جوان برای سرقت‌های سریالی

فروش عتیقه و زیر چاکنی هم فعالیت دارد و از من خواست برای اینکه پولدار شوم با او همکاری کنم. ما با هم چند باری در بیرون قرار گذاشتیم و حتی شام هم در رستورانی با هم خوردیم. خوشحال بودم از اینکه با پسر جوان تحصیلکرده و پولداری آشنا شده‌ام تا اینکه چند روز قبل از حادثه به من گفت مقدار ی سکه و عتیقه دارد و می‌خواهد به مشتری بفروشد و از من خواست همراه او باشم.

■ **سرتقت ۳۰۰ میلیون تومانی**

قرار بود از فروش عتیقه‌ها هر صدی هم به من بدهد که روز حادثه به خانم آمد که با هم سر قرار برویم. در حالی که آماده می‌شدم او به آشپزخانه رفت و دو لیوان نسکافه درست کرد و یکی از لیوان‌ها را خودش خورد و لیوان دیگر را هم به من داد. لحظاتی بعد از اینکه نسکافه را نوشیدم سرم گیج شد و دیگر هیچ نفهمیدم تا اینکه وقتی به‌هوش آمدم روی تخت بیمارستان بودم و تازه متوجه شدم مهدیس قلبی‌م مرا بی‌هوش کرده و حدود ۳۰۰ میلیون تومان طلا و نقره تقد مرا سرقت کرده‌است.

■ **شاکی جدید**

با شکایت دختر جوان پرونده به دستور باز پرس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی شاید جوان در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

تحقیقات مأموران پلیس نشان داد پسر جوان پس از حادثه تلفن همراهش را خاموش و تحقیقات اینستاگرامش را هم مسدود کرده‌است تا ردی از خود به‌جای نگذارد.

همزمان با ادامه تحقیقات برای شناسایی متهم مأموران پلیس با شکایت مشابه‌ی روبه‌رو شدند که این بار متهم به بهانه فروش عتیقه مرد جوانی را در پارکی مسموم و حدود ۱۰۰ میلیون تومان پول او را سرقت کرده‌بود.

شاکی به مأموران گفت: چند روز قبل در اینستاگرام با مردی آشنا شدم که مدعی بود مقدار زیادی عتیقه و زیر چاکسی دارد که به قیمت مناسبی می‌فروشد. مرد فروشنده گفت عتیقه‌های او چندصد میلیون تومان ارزش دارد و اگر من پول نقد پرداخت کنم تخفیف خوبی می‌دهد. او تعدادی عکس از سکه‌ها و عتیقه‌ها برای من فرستاد و در نهایت هم قرار شد همه عتیقه‌ها را به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به من بفروشد. روز حادثه من حدود ۱۰۰ میلیون تومان پول خارجی تهیه کردم و به پارکی که او قرار گذاشته بود، رفتم. مرد جوان همراه ساکی منتظر من بود. ما دقایقی با هم درباره عتیقه‌ها صحبت کردیم که دو لیوان نسکافه از دکاه ی آوردند یکی خرید و یک لیوان خودش خورد و یک لیوان هم به من تعارف کرد. وقتی خوردم بی‌هوش شدم و وقتی به‌هوش آمدم روی تخت بیمارستان بودم که فهمیدم او مرا با نسکافه مسموم بی‌هوش کرده و ۱۰۰ میلیون تومان پولی که همراه داشتم سرقت کرده‌است.

در حالی که احتمال می‌رود افراد دیگری هم درام مرد شاید گرفتار شده‌باشند، مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری وی آغاز کردند.

# درگیری را قبول دارم، ضربات چاقو رانه!

مرد جوانی که متهم است همسرش را به خاطر مهریه‌اش به قصد قتل با ضربات چاقو زخمی کرده‌است، پس از دستگیری مدعی شد که همسرش خودزنی کرده است. به گزارش جوان، اوایل تیرماه امسال بود که مردی در تهران با انازه پلیس تماس گرفت و درگیری خونین زن و مردی را در نزدیکی دوراهی قلیک گزارش داد.

وقتی مأموران پلیس به محل رسیدند مشاهده کردند زن جوانی باصابت ضربات چاقو بی‌هوش شده و روی زمین افتاده‌است. همزمان با انتقال پیکر نیمه‌جان زن جوان به بیمارستان مأموران پلیس از شاهدان عینی تحقیق کردند. مردی که موضوع را به پلیس خبر داده‌بود، گفت: داخل رستوران نشسته بودم که صدای داد و فریادی از داخل خیابان به گوشم رسید. فکر کردم تصادفی رخ داده است که به سرعت به داخل خیابان آمدم و



دیدم زن و مردی داخل خودروی پژو ۲۰۶ خاکستری با هم درگیر شده‌اند. برای میانجیگری به آنها نزدیک شدم که دیدم مرد جوان با چاقو ضربه به زن جوان زد و بعد او را از داخل خودرو به بیرون پرت کرد. مرد جوان وقتی مرا دید تهدید کرد که به او نزدیک نشوم و بعد ما با خودرواش فرار کرد. ■ **درگیری برای مهریه** بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد زن زخمی در که در یک‌قدمی مرگ قرار دارد روز حادثه با شوهرش درگیر و زخمی شده است. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت مأموران پلیس دریافتند زن زخمی پس از چند روز از مرگ نجات یافته و به هوش آمده‌است. زن جوان بعد از بهبودی نسبی به مأموران گفت: من مهماندار هواپیمای هستم، مدتی است من و شوهرم با هم اختلاف داریم و او قصد دارد از من جدا شود و می‌گوید مهریه‌ام را باید به او ببخشم، اما من قبول نمی‌کردم. روز حادثه

## سردار حمید هداوند\*

## عزم ملی برای آگاهی بخشی پیامدهای مصرف مواد مخدر



مواد مخدر در حقیقت سوغات استعمار گرانی

بود که قصد داشتند با استفاده از افیون مواد مخدر، بسودن هیچگونه زحمت و جنگ و درگیری به منافع و مطامع و مقاصد شوم خود دست پیدا کنند؛ چرا که خوب می‌دانستند فردی که گرفتار مواد مخدر شود، دیگر به راحتی نمی‌تواند مؤثر و فعال و تأثیر گذار باشد.

بلکه به عنصری بی‌اراد و بی‌هوش که در جهت تبدیل خواهد شد که در مقابل فعل و انفعالات و تغییر و تحولات جامعه خود، هیچ واکنش مثبتی نشان نخواهد داد، بلکه صرفاً به دنبال روزمرگی و بازی به هر چه‌تی خواهد بود. مواد مخدر، بلایی خانمانسوز و بالائ از آن بلایی است که لطمت و آسیب‌های آن به جامعه نیز سرایت می‌کند و باعث می‌شود که جامعه را نیز با مشکلات و گرفتاری‌های فراوانی روبه‌رو سازد. مواد مخدر، شاید به ظاهر تنها یک فرد را گرفتار کند و مبتلا سازد ولی در حقیقت این بلا همچون ویروس مهلک و کشنده، بقیه افراد خانواده و به طور مستقیم و غیر مستقیم اطفال و همسایه‌ها را درگیر مشکلاتی خواهد کرد؛ چرا که افراد معتاد پس از مدتی به دلیل بالارفتن هزینه مصرفشان و عدم تمکن مالی لازم مجبور به سرقت، دزدی و به اصطلاح بالا کشیدن مال اطفالی می‌شوند که این قضیه هم شامل خانواده‌ها هم بستگان و هم همسایه‌ها آنها می‌شود. بماندان نظر روانی، روحی، اجتماعی این معضل بزرگ چه آسیب‌های بزرگی را به فرد و جامعه وارد خواهد کرد.

مواد مخدر معطل و مصیبت شومی است که همچون موربانه از درون زندگی افراد معتاد و حتی در بسیاری از موارد خانواده و فرزندان آنها را از بین می‌برد. اعتیاد به مواد مخدر همچون گرفتار شدن در مردابی است که اگر فرد معتاد برای نجات خود تلاش نکند، هر لحظه بیشتر در این مرداب متغفن فرو می‌رود و حتی در برخی موارد برخی اطفالی‌ان را نیز با خود پایین می‌کشد. مواد مخدر امروز از حقایق تلخ و بغرنجی است که به راحتی می‌توان در اطراف خود شاهد صحنه‌هایی فجیع از جمع شدن تعدادی معتاد در گوشه‌هایی از شهرهایمان باشیم. مواد مخدر سوغات فرهنگ منحلط غرب برای به فقیرا کشاندن نوجوانان و جوانان ما است؛ چراکه فردی که آلوده مواد مخدر می‌شود دیگر نمی‌تواند به فکر تعالی و ترقی خود و کشورش باشد؛ بلکه مسیر زندگی و اندیشیدن او در گرو می‌شود. امروز بیش از هر چیز دیگری لازم است که خانواده‌دها نوجوانان و جوانان از مصائب و گرفتاری‌های این بلای خانمانسور آگاه گرد و حقایق و واقعیت‌های تلخ این بلای کشنده را بازگو کرد تا همگان بدانند که مواد مخدر عفرتی است که فرجامی تلخ و کشنده و نا امیدکننده دارد. همه سازمان‌ها و نهادهای مسئول باید در این خصوص با عزمی ملی ورود کنند و هر چه پیشتر و بهتر تبعات و عواقب ناخوشایند این بلای خانمانسوز را به نحو لازم و بایسته و تأثیر گذار برای جامعه هدف اطلاع رسانی کنند.

\*جانشین فرامانده انتظامی تهران بزرگ

## دستگیری سارقی که به خانه خواهر دوستش دستبر زده بود

سارق سابقه داری که با تهدید چاقو طلاهای خواهر یکی از دوستانش را سرقت کرده‌بود به دام افتاد. به گزارش جوان، فرمانده انتظامی شهرستان ری با اعلام این خبر گفت: شامگاه شانزدهم شهریورماه خانمی به کالتری ۱۷۴ پیام دشت تماس گرفت و از سرقت منزلش از سوی مرد آشنایی خبر داد. وقتی مأموران به محل حادثه رفتند، شاکی گفت: در حال استراحت در منزل بودم و خانواده‌ام حضور نداشتمند که روی دیوار وارد منزل ما شد. وقتی وارد خانه‌مان شد دیدم دوست برادرم است که با تهدید تمامی طلاها، ساعت و ۳۰ میلیون تومان پول نقد که در خانه داشتم، سرقت کرد و از محل گریخت. سرهنگ دوستعلی جلیلیان افزود: در بررسی‌های پلیسی مشخص شد که متهم سابقه‌دار بوده و به مصرف مواد مخدر اعتیاد دارد و اخیراً از زندان آزاد شده‌است و همچنین مشخص شد سارق با استفاده از یک دستگاه موتورسیکلت سرقتی به محل سرقت مراجعه کرده‌است. بدین ترتیب تحقیقات برای دستگیری سارق آغاز شد که خیلی زود مأموران مخفجه‌ا متهم را شناسایی ویی و بازداشت کردند و با اشاره به اینکه موتورسیکلتی که متهم با استفاده از آن به محل سرقت حاضر شده‌بود، توقیف شد. اضافه کرد: متهم پس از اعتراف به جرمش برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

### سازمان آگهی‌های

### روزنامه جوان

### تلفنی آگهی می‌پذیرد

**۸۸۴۹۸۴۵۸**



### امور مشترکین و توزیع

## روزنامه جوان

**۸۸۴۹۸۴۷۶**

### مفقودی

سند و برگ سبز سواری پژو پارس XU۷ مدل ۱۳۹۲
خاکستری-متالیک به شماره موتور ۲۴۵۶۷۴ - ۱۲۴۲K و شماره شاسی NAAN۰۱۳۴۳DH۸۹۰۳۶ و شماره پلاک ۲۲۴ ج ۵۷ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

گلستان

### آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای

شهر داری اسلامی شهر در نظر دارد به استناد بودجه مصوب سال ۱۴۰۰ پروژه ذیل را از طریق برگزاری تجدید مناقصه عمومی واگذار نماید. بدینوسیله از اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد جهت شرکت در تجدید مناقصه عمومی در یافت اسناد همراه با معرفی نامه و مهر شرکت به اداره فرادادهای شهرداری اسلامشهر مراجعه نمایند. ضمناً مهلت دریافت و ارسال پیشنهادات حداقله در روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم خواهد بود. هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده تجدید مناقصه عمومی می باشد.

ردیف	موضوع تجدید مناقصه عمومی	ردیف بودجه	مدت اجرا	صلاحیت	مبلغ سبیره شرکت در تجدید مناقصه عمومی (ریال)
۱	خرید تجهیزات ویژه جمع آوری پسماند وزین جهت مجتمع صنعتی و خدماتی	۳۷۰۱۹۱۵	۳ماه	اساتسانه مرتبط با موضوع مناقصه	۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰

۲- به پیشنهادات مشروط و مخدوش، فاقد سپرده و پیشنهادهاتی که پس از مهلت اعلام شده ارائه شوند ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۳- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است.
۴- برندگان اول و دوم و سوم مناقصه هر گاه حاضر به انعقاد قرار داد نشوند، سبیره آن ها به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.
۵- سایر شرایط در اسناد مناقصه درج گردیده است.
۶- چاپ اول: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳
۷- چاپ دوم: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

۸- مهلت دریافت اسناد تجدید مناقصه: از مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۰ الی ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

۹- مهلت تحویل اسناد تجدید مناقصه: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

۱۰- جلسه کمیسیون عالی معاملات: ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

**محسن حمیدی – سرپرست شهرداری اسلامشهر**

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۰/۰۶/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۰/۰۷/۴

محمد علی رضایی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان سامان